

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 6

Date of filing 13 April 1983

FTL
✓ AWARD. Date of Award 5 Nov 1982

 pages in English. 8 pages in Farsi.

 DECISION. Date of Decision

 pages in English. pages in Farsi.

 ORDER. Date of Order

 pages in English. pages in Farsi.

 CONCURRING OPINION of

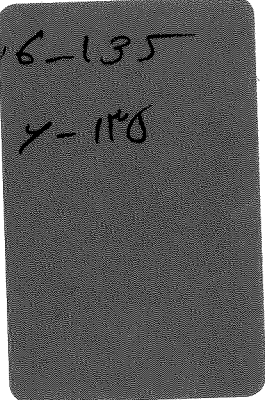
Date pages in English. pages in Farsi.

 DISSENTING OPINION of

Date pages in English. pages in Farsi.

 OTHER; Nature of document:

Date pages in English. pages in Farsi.



۶-۱۳۵
۹-۱۲۱

حکم در مورد صلاحیت

حکم شماره: تی. اف - ۶ - ا - ال. تی. آی.

پرونده شماره ۶

موضوع: تفسیر عبارت " و به استثنای ادعاهای ناشی از قراردادهای تعهدآور فیما بین که در آن قراردادهای مشخصاً رسیدگی به دعاوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه ایران، در پاسخ به موضع مجلس شورای اسلامی ایران باشد"، (بند ۱ ماده دوم بیانیه حل و فصل ادعاها). شعبه دوم در مورد رسیدگی به این مسئله از خود سلب صلاحیت نموده و آنرا به دیوان عمومی واگذار کرده است.

طرفین:

گیبزانند هیل، اینکورپوریتد،
خواهان،

- و -

شرکت تولید و انتقال نیرو (" توانیسر ") وزارت نیروی دولت ایران،
سازمان انرژی اتمی ایران - وزارت نیروی دولت ایران،
وزارت نیروی دولت ایران،
بانک ایرانیان،

بانک تجارت، شعبه طالقانی شرقی،
بانک بین المللی ایران و ژاپن،
خواندگان.

حاضران:

آقای جان ا. رودی

له بوفلم، لایبی اند مگری، (وکلای دعاوی) نیویورک، ان. وای،
از طرف خواهان،

آقای آرتور دابلیو. رواین، نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا.

همچنین: آقای محمد کریم اشراق، به عنوان نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعاوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
No.	شماره 6-9
Date	تاریخ 13 APR 1983
	۱۳۶۲ / ۱ / ۲۴

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

بخش اولمقدمه

بند ۱ ماده دوم بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر راجع به دعاوی دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران (" بیانیه حل و فصل ادعاها ") " ادعاهای ناشی از قراردادهای تعهدآور فیما بین که در آن قراردادهای مشخصاً رسیدگی به دعاوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای مالعه ایران، در پاسخ به موضع مجلس شورای اسلامی ایران باشد " ، را از صلاحیت دیوان داورى مستثنى می کند .

شعبه دوم دیوان صرفاً از نظر اتخاذ تصمیم راجع به این که ادعاهای ناشی از قراردادهای این پرونده که حاوی شرط حل و فصل اختلافات است ، مشمول شرط بیانیه حل و فصل ادعاها ، که در بالا ذکر گردید ، می شود یا خیر ، به نفع دیوان عمومی از خود سلب صلاحیت کرده است .

پیرو دستورات مورخ ۱۵ آوریل و ۷ ژوئیه ۱۹۸۲ (۲۶ فروردین و ۱۶ تیر ۱۳۶۱) طرفین لوائحی تسلیم کرده و موضوع صلاحیت را که از طرف شعبه دوم به دیوان عمومی محسول گردیده مطرح ساخته اند .

بعلاوه ، جلسه رسیدگی به این موضوع در روزهای ۲۱ تا ۲۲ ژوئن ۱۹۸۲ (۳۱ خرداد تا اول تیر ۱۳۶۱) برگزار گردید .

بخش دومقرارداد توانیر

یکی از دعاوی مطروحه در این پرونده مبتنی بر قراردادی است که بین گیزاندهیل ایران ، که ظاهراً " حسب ادعا از شرکتهای تابعه گیزاندهیل بشکور پوریتداست ، و خواننده ، توانیر ، در ۲۳ نوامبر ۱۹۷۷ (۲ آذرماه ۱۳۵۶) در زمینه خدمات مهندسی ، مشاوره و نظارت برسر

ساختمان در رابطه با پاياده كردن سيستم هاى انتقال برق (" قرارداد توانيسر ") امضاء شده است .

اين قرارداد حاوى شرايط زير است :

" ماده ۲۴ - حل اختلاف "

كلييه اختلافاتى كه ممكن است براى اين قرارداد يا تفسير و تفسير مندرجات آن بين طرفين قرارداد رخ دهد و نتوان آنها را از طريق مذاكره و يا مكاتبه بطور دوستانه توافق و حل و فصل نمود، ابتدا در كميسيته اى مركب از بالاترين مقام دستگاه اجرائى (يا معاون او) و مهندس مشاور طرف قرارداد مطرح و در صورتى كه نتوانند بر مبناى قرارداد و مقررات مربوط اختلافات را حل كنند موضوع طبق قوانين ايران از طريق مراجعه به دادگاههاى صالحه حل و فصل خواهد گرديد . مهندس مشاور ملزم است كه تا حل اختلافات تعهداتى را كه به موجب قرارداد به عهده دارد اجرا نمايد و در غير اين صورت كارفرما طبق قرارداد ~~بسته~~ تشخيص خود نسبت به مهندس مشاور عمل خواهد كرد . بديهى است كه كارفرما نيز در طول مدت حل اختلاف تعهدات خود را بر اساس قرارداد و به تشخيص خود انجام خواهد داد .

" ماده ۳۰ - قانون حاكم بر قرارداد "

اين قرارداد از حريث تابع قوانين دولت شاهنشاهى ايران بوده و در پيچ نسخه تنظيم و به امضاء رسيده و كليه نسخ آن اعتبار دارند .^{واحد}

خواهان مدعى است كه ماده ۲۴ قرارداد توانيسر هيچ دادگاه صالح ايرانى را مشخصى نمى كند و در عين حال به هيچ دادگاهى اعم از ايرانى و غير ايرانى ، صلاحيت " انحصارى " مقرر در شرط استثنائى بند ۱ ماده دوم بيانيه حل و فصل ادعاها را اعطا نمى نمايد .

خوانندگان اظهار میدارند که شروط مربوط به اعطای صلاحیت به دیوان داورى را باید به نحو محدود تفسیر نمود. ایشان استدلال می کنند که موافقت ایران در مورد ارجاع اختلافات به داورى را نباید فراتر از آنچه که قصد دو دولت بوده است عمومیت و وسعت داد. خوانندگان در عین حال اظهار میدارند که در این زمینة ، موسسات خصوصی که با دول کشورهای خارجی قرارداد می بندند، بطور معمول صلاحیت این کشورها را می پذیرند، مگر آنکه دولت مربوطه صراحتاً به نحو دیگری موافقت کرده باشد.

بعلاوه ، خوانندگان اظهار می دارند که صرف وجود قید جداگانه در مورد انتخاب قانون حاکمیت که هدف از ذکر قوانین ایران در ماده ۲۴ می تواند فقط اعطای صلاحیت به دادگاههای ایران باشد.

نظر دیوان داورى این است که ماده ۲۴ قرارداد توانیر مقرر می دارد کلیه اختلافات بین طرفین که مربوط به قرارداد یا تفسیر و تفسیر آن باشد، چنانچه قابل حل و فصل توسط طرفین نباشد، از طریق مراجعه به دادگاههای صالحه طبق قوانین ایران حل خواهد شد. لذا ، عبارت این ماده به سادگی نشان میدهد که ماده فوق صرفاً مقرر می دارد که اختلافات ، در صورتیکه بین طرفین حل نشود، از طریق مراجعه به دادگاه حل شده و دعوا ، بدون توجه به دادگاه رسیدگی کننده ، تابع قوانین ایران خواهد بود.

بند ۱ ماده دوم بیانیه حل و فصل ادعاها ، ادعاهای ناشی از قراردادها را که در آن ها مشخصاً دادگاههای صالح ایران تنها مرجع رسیدگی شناخته شده باشد، از صلاحیت دیوان داورى مستثنی کرده است .

قرارداد توانیر دارای شرطی که صراحتاً صلاحیت رسیدگی را به دادگاههای ایرانی محدود کرده باشد نیست. در نتیجه ، این ماده به وضوح کافی شرایط مقرر در شرط استثناء مندرج در بند ۱ ، ماده دو بیانیه حل و فصل ادعاها را تأمین نمی کند.

بنا به دلايل مشروحه فوق ، ديوان داوري معتقد است که ماده ۲۴ قرارداد توانير درحوزه شمول شرط استثناء مندرج در بند اماده دو بيانیه حل و فصل ادعاها قرار نسی گیرد. نتیجتاً این ماده از قرارداد صلاحیت ديوان داوري را برای رسیدگی به دعاوی مبتنی بر قرارداد مزبور نفی نمی کند.

بخش سوم

قرارداد سازمان انرژی اتمی ایران

ادعای دیگر در این پرونده مبتنی بر قراردادی است که بین گبزاندھیل ایران و خوانده ، سازمان انرژی اتمی ایران برای طرح و بررسی یک کارخانه هسته ای در ۲۶ نوامبر ۱۹۷۷ (۵ آذر ۱۳۵۶) منعقد گردیده است (" قرارداد سازمان انرژی اتمی ایران ") مواد ۱۲ و ۱۳ قرارداد انرژی اتمی ایران به شرح زیر است :

ماده ۱۲ - قوانین و مقررات

پیمانکار ، در اجرای تعهدات خود باید از تمام مقررات و قوانین و دستورالعملهای رسمی ایران و هر کشور دیگری که پیمانکار در آن برای سازمان انرژی اتمی کاری انجام می دهد پیروی نماید. این موافقتنامه تابع قوانین قابل اطلاق ایران بوده و بر طبق آن تفسیر خواهد شد.

ماده ۱۳ - حل و فصل اختلافات

تمام اختلافات ، عدم توافق ها یا سئوالاتی که ممکن است بین طرفین در ارتباط با تفسیر مفاد این قرارداد یا اطاعت یا عدم اطاعت از آن پیش آید ، اگر بطور دوستانه قابل حل و فصل نباشد باید از طریق قوانین حکمیت ایران حل شود.

خواهان مدعی است که شرط حل و فصل اختلافات که در ماده ۱۳ مندرج است ، شرایط

پيش بينى شده در بند ۱ ماده دو بيانیه حل و فصل ادعاها را تا مین نمی کند، زیرا ماده ۱۳ ناظر بر داوری است و نه صلاحیت دادگاههای صالح ایران .

خوانندگان مدعیند که احاله به قوانین داوری ایران بایستی به عنوان احاله به صلاحیت دادگاههای ایرانی تلقی گردد. آئین دادرسی مدنی ایران ، تشریفات داوری، حکم داوری و اجرای آن را تحت کنترل دادگاههای ایران قرار می دهد. لذا ، بنا به نظر خوانندگان ، مطابق قوانین ایران شرط داوری بایستی همانند تسلیم اختلاف به سیستم قضائی ایران که جریان داوری بخشی از آن به شمار می آید، تلقی شود.

خواهان پاسخ می دهد که داوری ، نه به موجب قوانین ایران و نه در اکثر سیستمهای حقوقی داخلی در حکم رسیدگی قضائی نیست ، به ویژه اینکه قانون ایران مرجعی را برای پژوهش خواهی از احکام دادگاهها در ماهیت دعاوی ، تعیین ننموده است . خواهان همچنین استدلال می کند که ماده ۱۳ قرارداد ، رجوع به داوری در یک کشور دیگر غیر از ایران را نیز ، نفی نمی کند .

دیوان داوری متوجه است که داوری از نظر ماهیت نوعی شق انتخابی است در برابر اقامه دعوا در دادگاه . شرط الزام توسل به داوری در یک قرارداد ، به معنی صلاحیت انحصاری هیچ دادگاهی نیست .

نظردیوان داوری این است که قوانین ایران تا حدی کنترل جریان داوری ، از جمله انتصاب داوران در مواردی که طرفین از تعیین داور امتناع نمایند، صدور قرار جهت اجرای حکم داوری ، و صلاحیت لغو حکم به دلائل خاص (مواد ۶۳۵ ، ۶۶۲ و ۶۶۵ آئین دادرسی مدنی ایران) را به دادگاههای ایران واگذار می نماید. لیکن کنترلی که دادگاهها بدین نحو بر جریان داوری اعمال می کنند، مشابه کنترلی است که در اکثر سیستمهای حقوقی مورد قبول واقع شده و داوری را از خودمختاری ویژه خود به عنوان وسیله حل و فصل نهائی اختلافات بدون نیاز به دادخواهی ، محروم نمی سازد. بالاخص کسیه دادگاههای ایرانی مکلفند نسبت به ادعاهائی که متضمن شرط داوری باشد از خود سلب

صلاحیت نمایند، داوران اجباری ندارند که مقررات دادگاه رارعايت نمايند (ماده ۶۵۷ آئين دادرسی مدنی ایران) ، و حکم صادره فقط به دلائل خاص مندرج در قانون آئين دادرسی میتواند توسط دادگاهها کان لم یکن اعلام گردد (ماده ۶۶۵ آئين دادرسی مدنی ایران) .

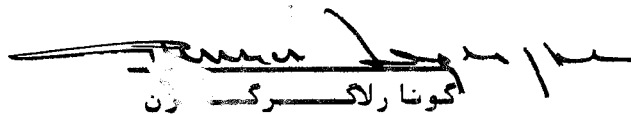
بنابراین به نظر دیوان داوری گرچه قوانین ایران تا اندازه ای کنترل دادگاههای ایران بر جریان داوری را پذیرفته ، با اینحال چنین کنترل محدودی اصولاً سلب صلاحیت از داوران به شمار نمی آید . صلاحیت محدودی که قانون ایران در مورد داوری به دادگاهها می دهد با صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران که در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل ادعاها شرط شده است ، تفاوت بسیار دارد .

بنابه دلائل فوق ، دیوان داوری معتقد است که :

ماده ۱۳ قرارداد سازمان انرژی اتمی ایران در حیطه شمول قید استثنای دادگاه صالح مقرر در بند ۱ ماده دوم حل و فصل ادعاها قرار نمی گیرد . نتیجتاً ، این ماده قرارداد صلاحیت دیوان داوری را از رسیدگی به ادعاهای مبتنی بر قرارداد فوق نفی نمی کند .

پرونده جهت رسیدگی های بعدی به شعبه دوم ارجاع می گردد .

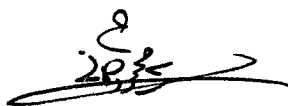
لاسه ، ۵ نوامبر ۱۹۸۲ برابر با ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱



(رئیس)

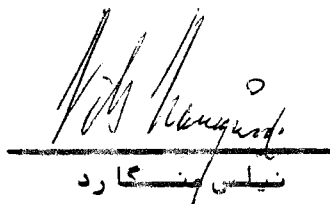
نظر مخالف نسبت به بخش دوم

به نام خدا

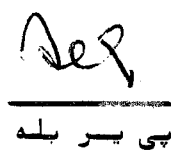


محمود م . کاشانی

نظر مخالف

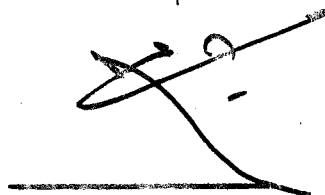


نیلس بنگارد



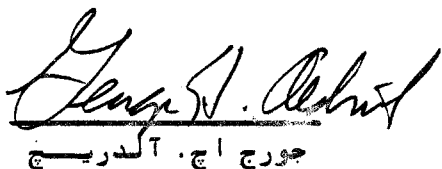
پی یرله

به نام خدا

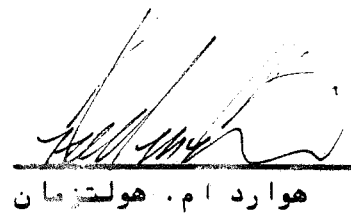


شفیع شفیی

نظر مخالف



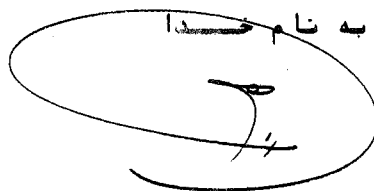
جورج اچ . آلدریج



هوارد ام . هولتزمن

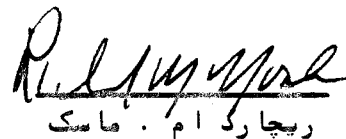
نظر موافق نسبت به بخشهای دوم

و سوم



مصطفی مهانگیر ثانی

نظر موافق



ریچارد ام . مارک

نظر موافق نسبت به بخشهای

دوم و سوم